

سنگفرش هر خیابان از طلاست

پای قبل از ازدواج می‌شناسند. شما اگر چنین فکر می‌کنید و به طور غیرفعال و انفعالی به کارتان ادامه دهید، در اینصورت خود شخصاً مسئول تشدید سنتهای تبعیض‌آور و تعصبات حاکم بر جامعه خواهید بود. فرمانروای خود باشید و سعی کنید تا حد امکان قدرت و تواناییهای خود را رشد دهید و فعالانه به دنبال آگاهیهای حرفه‌ای باشید این تنها طریقی است که شما می‌توانید رفتارها و تعصبات جامعه مردسالاری را دگرگون کنید. اگر چنین رفتار کنید، شما به مردان متعصب این جامعه و همچنین نسل قدیم ثابت خواهید کرد که همگی در ارزیابی از زنان کره اشتباه کرده‌اند.

[۱۰] قفس پرندگان

کراراً «گفته‌ام که من امروز هر چه دارم و هستم در نتیجه جنگ کره است.

من در سنین کودکی به علت بدبختی و دشواریهای حاصل از جنگ کره خیلی زود با سختیهای زندگی آشنا شدم و به دلیل اینکه در نوجوانی یکبارہ مسئول تحصیل معاش خانوادہ‌ام بودم خیلی زود متوجه شدم چگونه شہامت و نیروی خود را برای مقابله با ناکامیها، دلہرہ‌ها و بلاهای زندگی متمرکز و تقویت کنم.

برای اینکه دقیقاً بدانید کہ زندگی چندان هم آسان نیست، اجازه دهید، یکی از تعلیمات مقدماتی فرقه بودا را برایتان مثال بزنم. طبق این تعلیمات، اساس زندگی دنیوی رنج و محنت است و دنیا دریایی است مملو از رنج و مصیبت. زندگی نہ یک مسیر روان صیقل یافته است و نہ بستری است از گلہای سرخ. حتی اگر زندگی بستری پوشیده از گلہای سرخ بود، فراموش نکنید، گلہای سرخ ہم پراز تیغهای تیز و برنده‌اند. اگر از تیغ گل ہراس دارید پس ہرگز موفق نخواہید شد. توفیق و

سنگفرش هر خیابان از طلاست

کامیابی از آن کسانی است که از مبارزه با تیغهای تیز و برنده وحشتی ندارند. تقریباً کامیابی تمام افراد موفق امروز نتیجه محنتها و مشقتها دیروز آنان است و نه به لحاظ گام نهادن در بستر گلهای پرطراوت، از این رو بدون کوچکترین تأملی می‌گویم، جنگ کره مرا بصورت آنچه امروز هستم ساخته است. نکته‌ای که مایلم به آن توجه خاص کنید این است که سختیها خود زاینده موقعیتهای مثبت زندگی می‌باشد البته من به خوبی دلیل این موضوع را نمی‌دانم. ولی حقیقت امر این است که موقعیتهای مثبت زندگی همواره از درون رنج و محنتها شکوفا می‌شوند.

وقتی که زندگی به خوبی پیش می‌رود، افراد جامعه به طور مطلوب به کار و پیشرفت خود ادامه می‌دهند. اگر شما در چنین موقعیتی همانند دیگران پیشرفت نکنید، باید دلیل رکود پیشرفتتانرا در خود جستجو و کاوش کنید. به عنوان مثال یک دانشجوی باهوش را در نظر بگیرید که چون اطمینان وافر به هوش خود دارد طی دوره دبیرستان و سالهای اول دانشگاه تلاش چندانی برای کسب امتیاز و رتبه بالا نمی‌کند و هر ساله با نمراتی متوسط قبول می‌شود. البته او همیشه تصمیم دارد طی سال آخر منتهای کوشش خود را در امتحانات نهائی بکند. او تصور می‌کند در سال آخر اگر کمی به خود زحمت دهد حتماً با رتبه قابل ملاحظه‌ای فارغ‌التحصیل خواهد شد. آیا عملاً این موضوع همانطوری که او فکر می‌کند خواهد بود؟

نکته‌ای که نباید از خاطر دور کنیم، این است که دانشجویانی که در سالهای اول با جدیت درس می‌خوانند، طی سال آخر هم با همان شدت و شتاب به تلاش خود ادامه خواهند داد. لذا این دانشجو حتی اگر در سال

قفس پرندگان

آخر دو تا سه برابر سالهای قبل تلاش کند باز هم نمرات و رتبه وی تفاوت چندانی با امتیازات سالهای قبل او نخواهد داشت اگر سخت تلاش کند شاید بتواند همان رتبه‌های متوسط قبلی را کسب کند و نه چیزی بالاتر. زمان مناسب برای سعی شما وقتی است که همه دست از کوشش خود برداشته و از تلاش بیشتر مأیوس شده‌اند. در این موقعیت، موفقیت از آن کسی خواهد بود که با جدیت تلاش کند و در عین حال کاملاً از موقعیتهای مثبت و نهفته در بطن سختیها آگاه باشد. باید بدانید چگونه بحرانهای زندگیتان را به موفقیت‌های مثبت تبدیل نمایید و از آن بهره‌مند شوید. شما به کلمات چینی که ما برای بیان کلمه بحران استفاه می‌کنیم توجه کنید. اولین حروف تقریباً مشابه کلمه «ریسک» است، دومی به معنای موقعیت و شانس می‌باشد. بنابراین کلمات «ریسک و شانس» دو پهلوست، چون دارای بار منفی و مثبتند. این کلمه حاکی از اینست که بحران امکان دارد در هر جهتی مثبت و یا منفی پیش روی کند. یک آدم بدبین وضعیت «ریسک - شانس» را منفی پنداشته در نتیجه دچار یأس و نومیدی می‌شود اما یک فرد خوش‌بین و پرتکاپو موقعیت را با امید، اعتماد به نفس و روحیه ماجراجوئی بررسی می‌کند و این فردیست که نهایتاً شانس و موقعیتهای نهفته در خلال بحران را کاوش و کشف خواهد کرد. البته احتمال شکست و موفقیت به یک نسبت برای این شخص وجود دارد. ولی به نظر من مقابله با موقعیت از هراس و تسلیم شدن در برابر موقعیتهای بسیار باارزش‌تر و عاقلانه‌تر است.

شما جوانید بنابراین چنانچه نهایت کوشش و سعی خود را در راه نیل به اهدافتان کنید، مسلماً حق دارید که گاهی هم شکست بخورید. اما اگر

سنگفرش هر خیابان از طلاست

همواره کاری را که از شما انتظار می‌رود انجام دهید، احتمالاً دغدغه و اضطرابی هم نخواهید داشت ولی در عین حال هرگز هم به موفقیت‌های والایی دست نخواهید یافت.

حالاتی که در جوانان امروز مرا بسیار مضطرب می‌کند، ضعف، راحت طلبی و تا اندازه زیادی عدم استقلال و عدم حس ماجراجویی آنانست. بنظر می‌رسد شیوه متداول در بین جوانان امروز، تمایل شدید به راحتی و تنبلی است.

البته بسیاری از این مسائل مربوط به حمایت بیش از حد والدین شماست. هیچ پدر و مادری نیست که با تمام وجود به فرزند خود عشق نورزد. همه پدر و مادرها آرزو دارند فرزندانشان خوب بپوشند، خوب بخورند و در زندگی موفق شوند. اما پدر و مادر عاقل کسی است که توجه خاص و عاقلانه‌ای به آینده فرزند خود داشته باشد. او به همین دلیل، خود را موظف می‌داند چند نکته تربیتی را در مورد آنان رعایت کند. یکی از این نکات، تشخیص مقدار و نحوه توجه به بچه است. چون هر بچه‌ای با محبت زیاد از حد دچار خفقان روحی می‌شود و والدینی که با محبت بسیار باعث خفقان و خمودگی روحی فرزندانشان می‌شوند نه فقط آنانرا از نظر روانی و شخصیتی تضعیف نموده بلکه فرزندان خود را از مقابله با مسائل و مشکلات زندگی نیز باز می‌دارند.

هیچ پدر و مادری تمایلی به تنبیه فرزند خود ندارد و در خانواده‌های امروزی معمولاً بیش از دو یا سه فرزند وجود ندارد. بنابراین زندگی خانواده‌ها مرفه‌تر و راحت‌تر از زمان سابق است در نتیجه پدر و مادرهای این دوره روشهای متنوعتری برای ابراز محبت به فرزندانشان دارند. اگر

قفس پرندگان

پدر و مادر نیستید نمی‌توانید حتی برای یک لحظه حال و روز پدر و مادری را که ترکه‌ای برای تنبیه بچه‌اش به دست می‌گیرد مجسم کنید.

اما ابراز محبت باید به گونه‌ای باشد که والدین، آینده بچه را بالاتر از رنج تنبیه فرزند خود بدانند. بهر حال در زندگی هر شخصی زمانی فرا می‌رسد که مجبور است روی پای خود بایستد، زیرا والدین نمی‌توانند تا ابد از او در برابر دیگران و کل اجتماع حمایت کنند.

در جامعه امروز کره، بین ۱۰ الی ۲۰ درصد کارکنان جدیداً استخدام موسسات و شرکتها در عرض شش ماه کار خود را رها می‌کنند. چرا؟ به این دلیل که کار در موسسات را سخت و دشوار می‌بینند. بنابراین برای گریز از این موقعیت با شتاب برای اخذ مدرک دکترای به دانشگاه‌ها پناه می‌برند و یا برای ادامه تحصیل به خارج از کشور سفر می‌کنند. این روشی است که من شخصاً مایلم هر چه زودتر در جامعه ما خاتمه پیدا کند. من پاره‌ای اوقات در مورد استاندارد این گونه مراکز علمی که آماده پذیرش این چنین افراد هستند فکر می‌کنم. افرادی که به دلیل عدم قدرت تحمل محیط کار شرکتها به دانشگاهها روی می‌آورند، در حقیقت به کل سیستم آموزشی توهین کرده‌اند.

چندی قبل در یک موقعیت غیرمنتظره با یکی از دانشجویان سال آخر رشته بازرگانی یکی از مدارس بسیار عالی و معتبر کره به صحبت نشستیم. او فردی با ظاهری آراسته و مرتب بود که بسیار باهوش و باذکاوت به نظر می‌رسید. تم اصلی صحبت‌هایمان مربوط به برنامه این دانشجو پس از فارغ‌التحصیلی بود.

از او سؤال کردم آیا پس از اتمام تحصیلاتش مایل است کار کند و

سنگفرش هر خیابان از طلاست

چون جواب مثبت بود، پیشنهاد کردم با موسسه «دیوو» همکاری کند. وقتی اظهار کرد از «دیوو» خوشش نمی‌آید، علت را پرسیدم در جواب گفت موسسه «دیوو» خیلی از آدم کار می‌کشد. سپس از او پرسیدم مایل است در کجا کار کند، گفت ترجیح می‌دهد در یک موسسه خارجی استخدام شود، زیرا این شرکتها کمتر کار می‌کنند و بیشتر پول می‌دهند.

خیلی زود صحبت‌های ما به بن‌بست رسید و حرفی برای گفتن نداشتیم. البته نه به این دلیل که گفته بود از «دیوو» خوشش نمی‌آید. چون من نمی‌توانستم او را برای خواسته‌اش که یک کار راحت با درآمد بالا بود ملامت کنم. ولی صحبت‌های بعدی او مرا بسیار ناراحت کرد چون ادامه داد اگر در عرض چهار، پنج سال بتواند پول کافی پس‌انداز کند، او و نامزدش قصد دارند کافه‌ای دایر کنند، تا بقیه عمرشان را در راحتی و آسودگی سپری کنند. البته دایر کردن کافه فی‌نفسه اشکالی ندارد. اما موضوعی که مرا بسیار ناراحت کرد، این بود که این دانشجو در یکی از بهترین مراکز عالی کشور تحصیل می‌کرد، ولی فقط در صدد انتخاب حرفه‌ای بود که منتهی به یک زندگی راحت و آسوده می‌شد. این موضوع مرا به این فکر انداخت آیا سایر دانشجویان نیز درباره آینده‌شان اینگونه فکر می‌کنند؟

زندگی برای پرنده خو گرفته در قفس بسیار سهل و مطلوب است او مضطرب غذا، سرما و خطرات احتمالی نمی‌باشد. اما به نظر من زندگی این پرنده جای غبطه خوردن ندارد. البته پرنده آزاد مجبور است غذای خود را تامین کند، آشیانه‌اش را بسازد و در برابر خطرات احتمالی از خود دفاع کند ولی در عین حال پرنده آزاد است که در سرتاسر دنیا

قفس پرندگان

آزادانه سیر می‌کند و پرنده آزاده و ماجراجو خیلی خوشحالت‌تر از پرنده در قفس مانده‌ای است که چیزی جز راحتی ندارد. بیرون از اینجا دنیای پهناوری برای کشف و شهود وجود دارد، بنابراین امیدوارم شما افکاری را که برای محبوس و محصور کردن خویش دارید از خود دور کنید. از ناشناخته‌ها وحشتی نداشته باشید، از شکست نهراسید. چون این وظیفه و حق جوانان است که وضعیت‌های بحرانی زندگی را تبدیل به موقعیتهای مثبت کنند و با روحیه مبارزه جویانه در مقابل مصائب به پا خیزند.

www.KetabFarsi.com

صحنه نمایش به شرق باز می‌گردد

تاریخ جهان انباشته از ظهور و سقوط ملتها و تمدنهاست. تاریخ همواره نشانگر اینست که هیچ ملتی علیرغم شکوه و قدرت خود تا ابد پایدار نخواهد ماند. امروزه شکوه و جلال تمدنهای بین‌النهرین، مصر و روم را می‌توان تنها در لابلای نوشته‌ها مشاهده کرد.

در خلال این نشیب و فرازهای تاریخی، هر زمان که ملتی چوب مسابقه را به دیگری تحویل می‌دهد، دنیا دچار تغییر و تحولات نوینی می‌گردد. ما خود طی چند قرن گذشته شاهد بسیاری از این تحولات بوده‌ایم. طی این مدت مقام رهبری جهان از اسپانیا به انگلستان و در نهایت انگلستان آنرا به ایالات متحده تحویل داد. اکنون این چوب مسابقه به ژاپن و سایر کشورهای اقیانوس آرام واگذار شده است. ما به وضوح می‌بینیم که صحنه تمدن جهانی به سوی شرق در حرکت است و کره قسمت مهمی از این صحنه را اشغال نموده است. در عصریکه سرزمینهای شرق تدریجاً به میعادگاه اجتماعات بین‌المللی تبدیل می‌شود جوانان کره نیز پیشقراولان دنیای آینده خواهند شد.

سنگفرش هر خیابان از طلاست

من در نهایت خوش بینی در مقالات قبلی اشاره کردم که همسن و سالهای من آخرین نسل جمهوری کره در حال توسعه خواهند بود و شما جوانان اولین نسل جمهوری کره پیشرفته خواهید بود. بنابراین اجازه دهید نکاتی را به گفته های قبلی خود اضافه کنم. به خاطر داشته باشید که به عنوان اولین نسل جمهوری کره پیشرفته، مسئولیت خطیر رهبری جوامع بین المللی به عهده شماست. بنابراین اگر کسی از بین شما از اینکه در یک کشور کوچک و در حال توسعه ای مثل کره به دنیا آمده ناراضی است و فکر می کند چنانچه در کشوری مثل فرانسه، ایالات متحده و یا یکی از ملت های پیشرفته دیگر به دنیا می آمد خیلی خوشبخت تر بود، مایلم که در این مورد تجدید نظری داشته باشد. زیرا کشور ما در حال حاضر در یک قدمی ملت های پیشرفته قرار دارد. وقتیکه ستاره سیادت غرب افول کند، این خورشید بار دگر در شرق طلوع خواهد کرد. بنابراین شما باید از اینکه در کره پا به عرصه وجود نهاده اید سپاسگزار باشید. چون هم اکنون تاریخ و کوشش های این ملت، ما را به کانون دنیای پیشرفته امروز سوق می دهد. بنابراین چگونه می توانید از اینکه کره ای هستید ناسپاس باشید.

۲۰ سال قبل مردم کره مردمی فقیر و مستمند بودند و در سطح بین المللی کوچکترین شأن و نفوذی نداشتند. مثل قورباغه های درون چاه بودیم. اما نسل ما موفق شد بر این وضع ناهنجار غلبه کرده اقتصادی نیرومند بنا کند و در بازارهای بین المللی نیز پیشتاز باشد.

پس از سه دوره پادشاهی در کره (بین سالهای ۵۷ قبل از میلاد و ۶۸۸ بعد از میلاد) این اولین باریست که کره به عنوان یک ملت متحد و یک پارچه در عرصه جهان ظاهر می شود و این به سابقه کشور ما به

صحنه نمایش به شرق باز می‌گردد

عنوان «یک پادشاهی منزوی» خاتمه می‌دهد.

کشور ما برای بقای خویش همواره توجه خاصی به جهان بیرون داشته است. چونکه کره از نظر جمعیت، پس از بنگلادش و تایوان پر تراکم‌ترین کشور جهان می‌باشد و فاقد هرگونه منابع طبیعی است. بنابراین ما برای ادامه حیات، هرگز چاره‌ای نداریم جز آنکه چشممان را به بیرون از مرزهایمان بدوزیم.

امروزه این مسائل تنها دلیل ارتباط ما با جوامع بین‌المللی نیست. چون ما همچنانکه به کانون دنیای پیشرفته نزدیک می‌شویم، دنیا نیز ما را به سوی خود فرا می‌خواند. در این صحنه کره‌ایهای جوان به عنوان پیشقراولان دنیای نوین جای خواهند گرفت. شما جوانان باید دارای ارزشهای محکم و استوار باشید. ارزشهایی منطبق با دنیای پیشرفته یعنی تصورات و اهدافی والا و در عین حال پذیرای تحولات مهیج و تازه‌ای که در شرف وقوع است.

از آنجا که رقبای جهانی شما دوستانتان نمی‌باشند، شما بایستی تواناییهای بالقوه خود را کاملاً تقویت کرده دیدگان خود را به واقعیت‌های اطراف باز کنید. فراموش نکنید، جوانان آمریکائی و چینی رقبای نیرومند و سرسخت شما می‌باشند و قصد دارند همانند شما قهرمانان و رهبران دنیای آینده باشند. به همین منظور با جدیت و تا پاسی از نیمه شب مشغول مطالعه‌اند و یا مدام بر کامپیوترهای خود انگشت می‌کوبند. رقبای ناشناخته رقیبهای واقعی شما هستند.

بنابراین برای اینکه بدانید چگونه در جامعه بین‌المللی پیشگام شوید، مایلیم چند نکته‌ای به شما یادآوری کنم. شما باید زبانهای خارجی را یاد

سنگرش هر خیابان از طلاست

بگیرید تا بتوانید با سایر ملل ارتباط برقرار کنید. حداقل باید زبان انگلیسی را به طور سلیس صحبت کنید و به یکی از زبانهای مهم دیگر دنیا مانند چینی، فرانسوی، روسی، ژاپنی، آلمانی و یا اسپانیولی تسلط کامل داشته باشید. اگر چنین نکنید به محض ترک فرودگاه بین‌المللی سؤل به یک انسان کر و لال تبدیل خواهید شد.

البته خیلی بهتر است اگر سایر ملتها زبان کره‌ای یاد می‌گرفتند. اما من اطمینان دارم همچنانکه قدرت ما در عرصه جهان توسعه می‌یابد، روزی فرا خواهد رسید که تعداد زیادی از مردم دنیا زبان کره‌ای بیاموزند. اما چون این موضوع احتمالاً در آینده دور اتفاق خواهد افتاد من معتقدم مردم کره باید در یادگیری سایر زبانها کوشش فراوان کنند تا بتوانند در صحنه بین‌المللی حضور فعالانه داشته باشند.

در مرحله بعد توانائی در هدایت وسائط نقلیه و کامپیوتر امری اساسی است. شما باید برای مقابله با هر وضعیتی آمادگی کامل داشته باشید چون غیر مترقبه‌ها هر لحظه قابل وقوع هستند و به طور مسلم در سالهای آینده تبحر در هدایت وسائط نقلیه و کامپیوتر بسیار ضروری خواهد بود. همانطور که خود می‌دانید طی چند سال اخیر ما شاهد ترقی چشمگیر و سریع بازار اتومبیل در کره بوده‌ایم و انتظار می‌رود این روند همچنان ادامه داشته باشد. در آینده‌نه چندان دور ما به همین نسبت ناظر ترقی و ضرورت کامپیوتر در جامعه خواهیم بود و به مرور کامپیوتر جزء ابزار لازم خانه، مدارس و تقریباً تمام محیط کار خواهد شد. بنابراین مایلم لزوم تقویت توان حمل نقل و مهارتهای کامپیوتری را بار دیگر تاکید کنم. شما باید خودتان ضرورت اجتناب‌ناپذیر این مهارت‌ها را برای روبرو

صحنه نمایش به شرق باز می‌گردد

شدن با تحولات جامعه مدرن درک کنید. در ضمن مهارت‌های دیگری که شما را برای ایفای نقش اول در صحنه جهان مهیا می‌سازد استعداد، اعتماد به نفس و قدرت شما برای مقابله با هر فرد و موقعیتی است.

توانائی و تکنولوژی کره‌اتیها قابل قیاس با هر ملت پیشرفته دیگر است. من بسیار تحت تاثیر کارکنان این شرکت که در سودان، لیبی و سایر کشورهای افریقائی پروژه‌های خود را خوب معرفی کرده‌اند. این افراد در پروژه‌های مشترک با آمریکائیها، ژاپنیها و تجار سایر کشورها از خود اعتماد به نفس بی‌نظیری نشان داده‌اند. بنظر من فردی که بتواند تمامی قابلیت‌های خود را در افریقا اعمال کند، به طور حتم، در هر نقطه دیگر با همین شکوفائی و قدرت کار خواهد کرد. من همیشه با استعدادترین و بلندپروازترین مسئولین فروش تولیدات شرکت را در وهله اول به ممالک افریقائی و خاورمیانه اعزام می‌کنم. چون به نظر من این کشورها یکی از دشوارترین و سخت‌ترین مناطق دنیا هستند. پس از چندسال تجربه در این مناطق این افراد را به امریکا و انگلستان و یا سایر کشورهای پیشرفته صنعتی گسیل می‌کنم. چون معتقدم اگر کسی طاقت تحمل و توان انطباق با این ماموریت‌های دشوار را داشته باشد، به یقین به هر جای دیگر که قدم گذارد موفق خواهد بود.

اخیراً بسیاری از مردم، پاره‌ای از پدیده‌های دنیا را عوارض انحطاط تمدن و فرهنگ‌های بزرگ می‌نامند. به گواهی تاریخ، این اصل شامل همه تمدنها و فرهنگ‌های دنیا بوده است. در نتیجه این عوارض، خلاقیت جامعه ضعیف شده، اخلاقیات رو به زوال می‌رود و فلسفه «خوش باشیم» در کل جامعه شیوع پیدا می‌کند. ما اغلب این پدیده‌ها را بیماری‌های

سنگفرش هر خیابان از طلاست

خاص جوامع پیشرفته می‌دانیم. بسیاری از مردم دنیا نگرانی خود را نسبت به رواج این عوارض و پدیده‌ها در جامعه معاصر امریکا صریحاً ابراز داشته‌اند.

بی‌تردید ما موظفیم تا حد امکان از ملتهای پیشرفته علم و صنعت بیاموزیم ولی من هیچ الزامی در پیروی از موارد مضر و منفی نمی‌بینم. متأسفانه روند متداول در بین جوانان امروز کره تأیید و پذیرش بدون قید و شرط هر سبک و روش غربی است. ولی بنظر من شما جوانان هیچ نیازی به تقلید روشهای نامطلوب و غیر صحیح ندارید. البته کاملاً صحیح است که تاکنون این ملتها نقش رهبری را در صحنه دنیا ایفا نموده‌اند اما به خاطر داشته باشد که از این پس این ملتها تدریجاً از صحنه اصلی دور خواهند شد.

طی چند دهه اخیر، ما تحت لوای تجددگرایی، صنعتی سازی جامعه و غرب گرایی سعی بسیار در پیروی و تقلید از ملتهای پیشرفته داشته‌ایم اما اکنون خورشیدی که در مشرق در حال طلوع است نیازی به پیروی از ستارهٔ رو به افول غرب ندارد. این ممالک دیگر پیر و سالخورده‌اند، در عوض ما جوان و نیرومندیم. بنابراین اگر ما جوانان مقلد سالخوردگان باشیم، به جای آمادگی برای ایفای نقش اول، همراه با این سالخوردگان صحنه را کلاً ترک خواهیم کرد. هم اکنون دنیا توجه خود را معطوف به ما نموده و این بستگی به شما نسل جوان دارد که با سرزندگی، رشادت، قابلیت‌ها و تواناییهای این کشور را برای جهانیان آشکار کنید. یکی از آرزوها و انتظارات عمیق من همواره این بوده که شما، پیشروان عصر نوین و قهرمانان دنیای جدید بتوانید به نحو احسن بار مسئولیتهای خود را

صحنه نمایش به شرق باز می‌گردد

به منزل برسانید و در عین حال حتی یک لحظه هم فراموش نکنید که شما اولین نسل کره‌ای هستید که پا به صحنه دنیا گذارده و عصر نوین جهان را افتتاح خواهید کرد.

www.KetabFarsi.com

[۱۲]

راز سلامتی

عده‌ای بر این باورند که من رمز خاصی برای سلامتی خود دارم. چون با چنان شتاب و سرعتی کارهای خود را انجام می‌دهم که برای بسیاری از آنان رعایت این سرعت و شتاب دشوار به نظر می‌رسد. اما من هیچ رازی برای سلامتی خویش ندارم و هرگز هم وقت چندانی صرف آن نکرده‌ام. شاید قدری زیاده‌روی است، اگر بگویم من همواره خود را جوان حس می‌کنم و هرگز هم نگران سلامتی خود نبوده‌ام.

طی جنگ کره، زمانیکه با خانواده‌ام از «تاگو» گریختم، برای فروش روزنامه ۱۰ کیلومتر پیاده راه می‌رفتم. شاید این راه‌پیمائی‌های طولانی اساس محکم سلامتی مرا پیریزی کرد. در زمان دانشجویی در بوکس و سایر رشته‌های دیگر ورزشی فعالیت داشتم.

شاید بعضی از افراد تصور کنند چون یک بازرگان هستم، حتماً در بازی گلف مهارت دارم. اما من تاکنون حتی دست به یک چوگان گلف نزده‌ام. هرگز نه فرصت بازی گلف داشته‌ام و نه آنرا به عنوان یک ورزش تمام عیار قبول داشته‌ام. بنابراین برایم بسیار جالب بود، وقتی در کتاب

راز سلامتی

موسس تشکیلات صنعتی مشهور ژاپنی «توکوتوشیو» خواندم که احساس او نسبت به گلف دقیقاً مشابه من است. یکبار وقتی عده‌ای از کارمندانش از وی دعوت کردند که گلف بازی کند در پاسخ گفتم اصلاً نمی‌دانم چرا شما شیفته این هستید که یک توپ کوچک را در سوراخ کوچکی قرار دهید. وی اضافه نمود که اداره یک موسسه صنعتی به مراتب هیجان‌انگیزتر از بازی گلف است.

این عبارات دقیقاً احساس مرا بازگو می‌کند. وقتی صحبت از سرگرمی و مشغولیات می‌شود، بازی گلف در انتهای لیست سرگرمیهای من قرار دارد. لذتی که من از کار کردن می‌برم خیلی بیش از اینهاست. وانگهی از نظر سلامتی هم هیچ اعتباری برای بازی گلف نمی‌بینم. چون بنظر من کار و فعالیت شدید، ورزش بسیار موثرتری است. نظر من اینست که فرد سخت کوش نیازی به ورزش ندارد.

بیشتر اوقات وقتی افراد زیادی را در باشگاه بدنسازی می‌بینم، فکر می‌کنم این اشخاص وقت خود را در اینجا به این دلیل هدر می‌دهند، چون جای دیگری برای عرق ریختن ندارند. تعداد باشگاه‌های ورزشی و سونا در کره سریعاً رو به افزایش است. این موضوع نشانگر اینست که تعداد بیشتری از مردم کشور ما برای حفظ سلامتی خود رو به ورزش آورده‌اند. اما من هنوز هم نمی‌فهمم چرا افراد برای سلامتی و پرورش اندام خود این قدر پول و وقت صرف می‌کنند. اگر کسی از من سؤال کند که رمز سلامتی شما چیست، جواب می‌دهم - سخت کوشیدن. من در واقع انرژی و نیروی لازم را با انجام فعالیت زیاد به دست می‌آورم. در عین حال به خوبی می‌دانم که کارهای کسل‌کننده و خستگی‌آور تا چه حد می‌تواند

سنگفرش هر خیابان از طلاست

برای سلامتی انسان زیان آور باشد و در مقابل یک کار مورد علاقه تا چه حد می تواند برای انسان فرح بخش و نیروزا باشد. بنابراین کار خود را با لذت و شادی انجام دهید، در اینصورت واقعاً احساس سرزندگی و نشاط خواهید کرد. عرق ریختن در حین کار بسیار باارزستر از عرق کردن در باشگاههای ورزشی است. کار و فعالیت شدید رمز سلامتی من است. من قبلاً هم اشاره کردم کار برای من در حکم سرگرمی است. اکنون به صراحت می گویم کار و کوشش رمز سلامتی و تندرستی من است.

فکر می کنم عامل موثر دیگر تندرستیم، تغذیه مناسب و صرف انواع و اقسام غذاهاست. من همواره رژیم غذایی متعادلی را حفظ می کنم. معمولاً مقدار زیادی غذا با سرعت می خورم. اگر سخت کوش و پرتلاش باشید، مجبورید غذای فراوانی صرف کنید. من به لحاظ اینکه به اکثر نقاط دنیا سفر کرده ام، تقریباً به خوردن انواع و اقسام غذاها عادت دارم. مثلی است قدیمی که می گوید، غذای مناسب بهترین داروی پیشگیری است و در ادامه همین مطلب معتقدم اگر در مورد غذا ایرادگیر نبوده و تغذیه مناسبی داشته باشید، در آنصورت برای درمان بیماری نیازی به دوا و جوشانده های سنتی نخواهید داشت. بنابراین هر نوع غذایی را با لذت هر چه تمامتر میل کنید. اما چنانچه در مورد غذا ایرادگیر باشید، به آسانی نمی توانید به سایر نقاط دنیا سفر کنید. چون طی سفر به خارج از کشور با افراد متعدد و مختلفی در تماس خواهید بود و به همین نسبت در برابر انواع غذاها قرار خواهید گرفت در عین حال برای دوستی و معاشرت با اشخاص مختلف باید آماده خوردن غذاهای مختلف باشید. اگر به افریقا سفر کنید باید غذاهای افریقائی بخورید و اگر به خاور میانه

راز سلامتی

سفر کنید باید گوشت گوسفند بخورید. حتی اگر غذا باب میلان نیست باز هم باید سعی کنید آنرا تناول کرده لذت ببرید. بنظر من این بهترین راه و روش دوستیابی است.

این امر زمانیکه قصد فروش تولیدات خود را دارید بیشتر حائز اهمیت می شود. بعضی مواقع امکان دارد در یک شب به دو جا برای شام دعوت شوم در چنین موقعیتی سعی می کنم از صرف هر دو شام کاملاً لذت ببرم. هرگز هم در مورد غذا ایرادگیر نبوده ام و گمان می کنم لذت فراوان من از خوردن انواع غذاها و بودن با اقسام مردم در موفقیت و موقعیت بین المللی من بسیار موثر بوده است.

البته من به خوبی می دانم که نباید دیگران را تشویق به غذا خوردن سریع کرد. اما من چون همواره در شتابم، تند غذا خوردن تقریباً ملکه من شده است. غالباً وقتی با کارکنان «دیوو» غذا صرف می کنم، قبل از اینکه آنها نصف غذایشانرا خوره باشند، من غذایم را تمام کرده ام. البته بعضی از افرادی که در سفرهای بین المللی مرا همراهی می کنند آنها نیز همین طور عادت کرده اند و آنطور که درباره ناپلئون نقل شده است. او ۸ دقیقه برای ناهار و ۱۲ دقیقه برای شام صرف می کرد. این نشان می دهد، که در طول تاریخ نیز سایر افراد پرمشغله مدت زیادی صرف غذایشان نمی کردند.

نکته اصلی این بحث، غذا نیست بلکه بیشتر درباره حفظ سلامتی بدون استفاده از جوشانده های گیاهی، مراجعه به کلاسهای ورزش یا ورزش اضافی است. فلسفه شخصی من اینست که تندرستی را می توان از طریق عادات و کارهای روزمره حفظ نمود.

سنگفرش هر خیابان از طلاست

روند امروزی جوامع مختلف، گرایش بیش از اندازه به سلامتی و تندرستی جسم است. اما من مایلم اهمیت سلامتی روان را نیز مورد تاکید قرار دهم. روح سالم بسیار پراهمیت است. این طرز تفکر که بدن پرعضله رمز سلامتی مطلق است، امکان دارد به مرور تبدیل به یک بیماری روحی شود. این افکار ممکن است شما را به مرحله‌ای برساند که فکر کنید، ایستادگی و مقابله به معنای استفاده از نیروی بدنی است. ولی به نظر من این طرز تفکر خود واقعاً می‌تواند زندگیتان را به تباهی بکشد. زیرا بدن سالم زمانی ارزشمند است که یک ذهن سالم مکمل آن باشد.

با اینکه من یک بنیانگذار تشکیلات صنعتی هستم، ولی معتقدم روان انسان خیلی مهمتر از جسم اوست. هدف یک مؤسس تشکیلات صنعتی در واقع این نیست که فربه و چاق شود. هدف سقراط گرسنه نیز این نبود که به یک سقراط سیر و یا یک سقراط فربه تبدیل شود. ما باید با تمام نیرو آن گونه پیشرفتهای اقتصادی و مادی را که نهایتاً منجر به جلو آمدن شکمها و ارضای نفس می‌شوند با قاطعیت طرد کنیم. توجه به مادیات تا آن حد گرانبها و پرارزش است که آمیخته با رشد روح و روان افراد جامعه باشد. در غیراینصورت پرورش جسم به تنهایی برای طبیعت و ذهن انسان بسیار زیان‌آور خواهد بود. این نوع رشد اقتصادی برای جامعه به منزله نکت و ذلت است نه نعمت و برکت.

بدیهی است جسم سالم در سلامت روح و روان بسیار موثر است زیرا ذهن و عقل سالم کنترل‌کننده ارزشهای انسان است. بنابراین مایلم اولویت و اهمیت سلامت روان را در مقایسه با سلامت جسم تاکید کنم.

امروزه، افراد بیش از اندازه در قید سلامتی خود هستند. البته من به

راز سلامتی

هیچوجه قصد ندارم سلامتی جسم را نادیده بگیرم، چون برای اینکه انسان بتواند از غذا خوردن و انجام کارهای مورد علاقه‌اش منتهای لذت را ببرد، باید از سلامت کامل جسمانی برخوردار باشد. البته نه اینکه تمام وقت فکر و ذکرتان موضوع سلامتی باشد. به نظر من خیلی بهتر است که انسان با ذهن و عقل سالم زندگی کند، تا اینکه برای سلامت جسم خود مرتب دوا و جوشانده بخورد و یا در هر موقعیتی عجولانه خود را به باشگاههای ورزشی برساند.

وقتیکه جامعه از رفاه و پیشرفت بیشتری برخوردار می‌شود توجه به مادیات گسترده‌تر گردیده و افراد به آسانی اهمیت و ارزش سلامتی روح را به دست فراموشی می‌سپارند. امروزه بسیاری از مردم از نظر جسمانی بسیار سالم بنظر می‌رسند. اما از نظر روحی در وضع بسیار نامطلوبی به سر می‌برند. شما چنانچه روحتان ناسالم باشد، سلامت جسم چه فایده‌ای برای شما دارد. شکم سیر یا ذهنی کوتاه و منحرف چه مزایایی می‌تواند برای انسان داشته باشد.

یکبار در جایی خواندم که جوانان نمی‌دانند چگونه از وقت خود استفاده کنند و سالمندان دراضطرابند که چقدر دیگر از عمرشان باقی مانده است. بر همین اساس مایلیم به جوانانیکه فکر می‌کنند وقت بسیار دارند و به همین علت اهمیتی برای اوقات خود قائل نیستند، خاطر نشان سازم که آنها از مدت‌ها قبل جوانی خود را از دست داده‌اند. به نظر من منصفانه است اگر بگویم جوانان بیشتر در فکر سلامت روح و روان خود هستند و سالمندان بیشتر در قید وضعیت جسمانی خود، بدین ترتیب جوانانی که تنها به سلامت جسمانی خویش می‌پردازند، جوانی خود را به هدر داده‌اند.

www.KetabFarsi.com

[۱۳]

کار به عنوان سرگرمی

من بیش از ۲۰۰ روز از سال را در سفرهای خارج به سر می‌برم و تعدادی از روزهای سال هم صرف مسافرت‌های داخلی می‌شود. به همین سبب اوقات فراغتی را که با خانواده‌ام می‌گذرانم بسیار اندک است. بعضی مواقع نه فقط تاریخ تولد زن و فرزندانم بلکه تاریخ تولد خودم را نیز از یاد می‌برم.

من کار و مشغله فراوان دارم. باید اعتراف کنم که از اینهمه کار و فعالیت بسیار راضی و خوشنودم و چنان لذت می‌برم که عده‌ای می‌گویند دیوانه‌کارم. از آغاز فعالیت‌م تاکنون حتی یک روز هم به مرخصی نرفته و هرگز هم به یاد ندارم که تعطیلات را با خانواده‌ام به کنار دریا رفته باشم. البته از این بابت هیچ گونه تاسف و تاثیری ندارم.

من معتقدم اگر شما با تمام وجود در جهت کار و فعالیت خود تلاش کنید، موفقیتان تضمین می‌شود. فردیکه با تمام وجود کوشش کند، هرگز شکست نخواهد خورد.

گمان می‌کنم عده‌ای فکر می‌کنند آدم پرکار و فعالی چون من احتمالاً

سنگفرش هر خیابان از طلاست

از چه نوع سرگرمی لذت می‌برد. شاید عده زیادی نتوانند درک کنند که چرا من به جای اینکه گاهی کار را با تفریح مخلوط کنم تا این اندازه برده و شیفته کار و فعالیت هستم.

بنظر من این نگرشها و افکار متعلق به کسانی است که هرگز طعم و لذت واقعی کار را نچشیده و به محسنات جوانی که با تمام وجود دربند کار خود است پی نبرده و نهایتاً به لذتی که از موفقیت و کامیابی به انسان دست می‌دهد دست نیافته‌اند.

بدیهی است برای پاره‌ای افراد کار و فعالیت ملال‌آور و خسته کننده است. طبق آمار اخیر نظر ۲۳/۵ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی کره نسبت به کار، منفی بوده و کلماتی مانند «تنفر آور»، «پردغدغه»، «ناراحت کننده» را ابراز داشته‌اند. این آمار تقریباً دو برابر عده کسانی است که نگرش آنان نسبت به کار و حرفه مثبت است. من احساس می‌کنم جوانان امروز به جای اینکه کار و حرفه را یک هدف اصلی بشناسند آنرا تنها وسیله‌ای برای دستیابی به سایر خواسته‌های خود می‌بینند.

به نظر من بسیار غم‌انگیز است انسانهایی که از هر لحاظ به یکدیگر وابسته‌اند، کار و حرفه را تنها وسیله‌ای برای پر کردن شکم بدانند و از این تاسف بارتر وضع افرادی است که در عنفوان جوانی به جای اینکه سرشار از روحیه، نشاط و آرزو باشند نسبت به کار و فعالیتشان احساس ملال و خستگی می‌کنند.

افراد اگر به جان اینکه کار و حرفه را عامل موفقیت، کامیابی، رشد شخصیت و بهبود جامعه بدانند، آنرا فقط وسیله کسب مادیات بشناسند.

کار به عنوان سرگرمی

در حقیقت نسبت به آئین کار و حرفه بی حرمتی بزرگی نموده‌اند.

کار و حرفه بسیار پرارزش و گرانبهاست و نمی‌توان آنرا تنها از نقطه نظر مالی مورد ارزیابی قرار داد. اگر به کار و حرفه خود مباحثات کنید و از انجام آن رضایت خاطر داشته باشید، در اینصورت حرفه شما سرچشمه شادی و لذت بی‌پایان خواهد بود و این لذت به نوبه خود خشنودی و سرفرازی شما را دوچندان خواهد ساخت.

این مطالب در مورد تحصیل نیز صادق است. دانشجویان باید با جدیت درس بخوانند. شما باید به حدی غرق مطالعه و درس شوید که دیگران بگویند خوره درس و تحصیلید. آیا تاکنون به برق چشمان دانشجویی که کاملاً غرق مطالعه و تحصیل است توجه کرده‌اید. وجود این دانشجویان پرتو خاصی دارد و به نظر من هر کسی که کاملاً جذب کاری شود به همین گونه تابناک و پر جلا می‌شود. کار و حرفه برای کسب پول و تحصیل برای حصول رتبه و نمرات به تنهایی کافی نیستند. افراد باید از کار و دانشجویان از تحصیل خود لذت فراوان ببرند. بسیار ناسف بار است که شاهد دانشجویانی باشیم که خود را مجبور به مطالعه دروس می‌کنند و از این ناخوشایندتر دانشجویانی هستند که حتی با اجبار هم نمی‌توانند خود را به تحصیل وادارند.

بنابراین شما نباید تحصیل را وظیفه‌ای اجباری بدانید. اگر چنین است باید طرز فکرتان را تغییر دهید. در وهله اول تحصیل را کاری متعلق به خود و چیزی که مایل به انجام آن هستید بدانید. در اینصورت تحصیل برایتان جذاب شده و سرچشمه لذت و شغف خواهد شد. با توجه به این مطالب شما باید حرفه و تحصیل را به عنوان یک نوع سرمایه‌گذاری در

سنگفرش هر خیابان از طلاست

جهت رفاه جامعه بپندارید.

وقتی کسی در مورد سرگرمیهایم سؤال می‌کند بسیار مضطرب می‌شوم، چون در آن لحظه حتی یک مورد هم به مغزم خطور نمی‌کند. با اینکه بعضی مواقع «گو»^۱ بازی می‌کنم ولی نمی‌توانم آنرا سرگرمی بخوانم زیرا این توهینی است به بازیکنان متبحری که این بازی را سرگرمی واقعی خود می‌دانند. من هرگز گلف بازی نکرده و تاکنون هم به سالن کسرت و یا تئاتر پا نگذاشته‌ام.

تنها چیزیکه برایم لذت‌آور است کار است و تابحال نیز هیچکس مرا مجبور به کار نکرده است. بنابراین اگر سرگرمی چیز است که انسان با انجام آن سرشار از لذت و نشاط می‌شود، در اینصورت سرگرمی من کار است.

چنانچه کار و تحصیل را یک تکلیف اضافی بدانید، به مرور هردو همانند وزنه‌ای بردوش شما سنگینی خواهند کرد. اما اگر کار و تحصیل را سرگرمی تلقی کنید انجام آن بسیار خوشایندتر و راحت‌تر خواهد بود و شما با تمام وجود آنرا انجام خواهید داد و سرانجام قدرت و تواناییهای شما افزایش خواهد یافت. از طرفی چون هر قدر قدرت و تواناییهای شما بیشتر شود، نتایج بهتر و مطلوبتری نصیب شما می‌گردد، سرانجام خوشبختی و رضایت کامل برایتان قابل لمس خواهد شد.

اگر تاجری ضمن انجام کار و مسئولیتش از آن همانند یک سرگرمی لذت ببرد، به مرور تجارت او رونق گرفته و امکانات و تسهیلات او توسعه

۱- «گو» یک بازی شرقی دو نفره که با مهره‌های سیاه و سفید روی یک صفحه بازی می‌شود.

کار به عنوان سرگرمی

پیدا خواهد کرد. به همین نسبت اگر دانشجویی از تحصیلش مانند یک سرگرمی لذت ببرد به طور حتم رتبه و نمراتش عالی خواهد شد و نهایتاً موفق به کسب جایزه نیز خواهد گردید. اگر صحبت‌های مرا باور ندارید، یکبار امتحان کنید. برای کسب موفقیتها اگر جز این عمل کنید مثل این است که در اندیشه چنگ انداختن به ستاره‌ای در آسمان باشید. اما اگر با تمام وجود غرق در کاری شوید و از آن لذت ببرید، هرگز شکست نخواهید خورد.

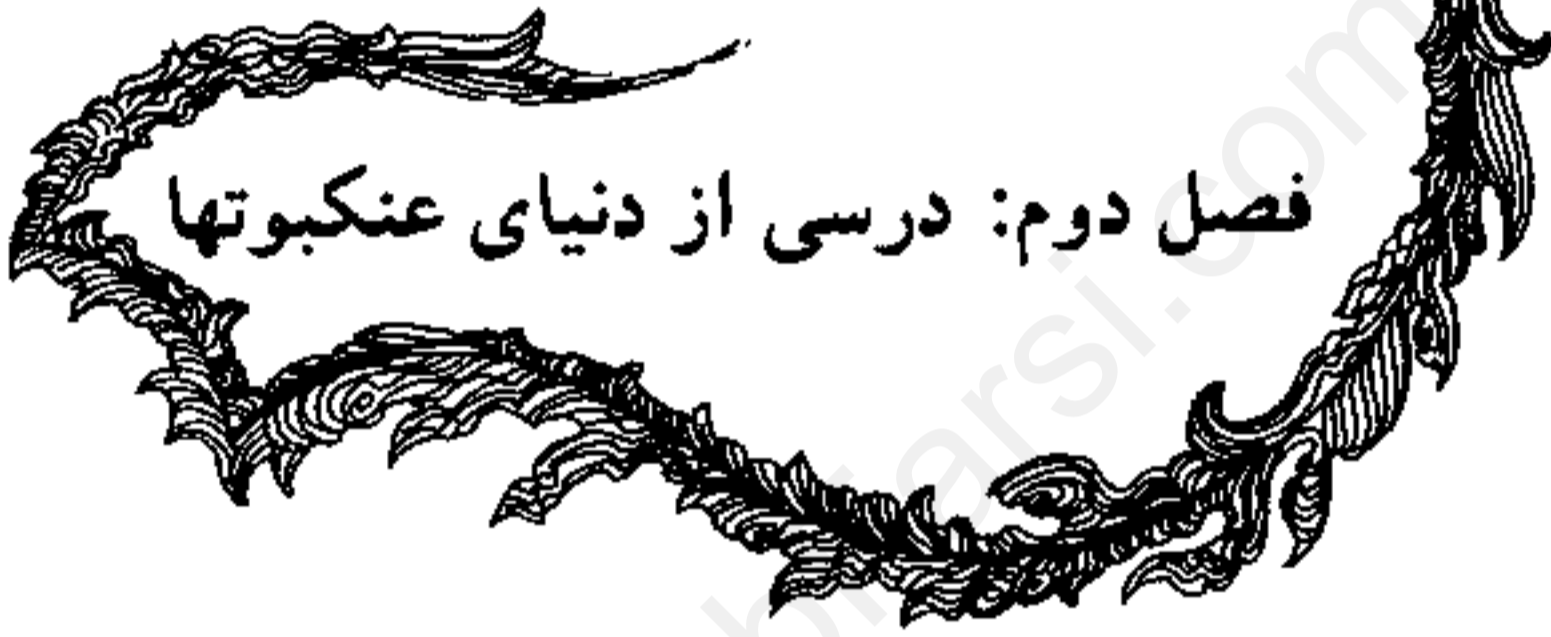
هفت سال قبل از تاسیس شرکت «دیوو»، در شرکتی متعلق به یکی از بستگانم مشغول کار شدم. با اینکه یکی از اعضای خانواده کارفرما بودم، ولی مانند یک کارمند معمولی کار می‌کردم و کار خود را مثل اینکه صاحب کار باشم ارائه می‌دادم. من منتظر دستور نمی‌شدم. همیشه خود به دنبال انجام کارها بودم. هرگز هم دیر سرکار حاضر نمی‌شدم و حتی یک روز مرخصی نگرفتم. به لحاظ لذت و صف ناپذیری که از کار می‌برم تا به امروز با همان اشتیاق و دلگرمی فعالیت می‌کنم. بنابراین لذت تماشا کردن یک فیلم مهیج و یا بازی گلف با لذت و هیجانی که از برنده شدن یک قرارداد پس از تقلا و کشمکش با صاحبان برجسته تجارت بین‌المللی به من دست می‌دهد به هیچ عنوان قابل قیاس نمی‌باشد.

البته هنوز هم بعضی مواقع از برخورد با افراد جدید در ارتباط با پروژه‌های جدید دچار اضطراب می‌شوم، احتمالاً همان اضطراب و هیجانی که یک ورزشکار در موقع آزمایش تواناییهایش به وی دست می‌دهد. اما هر چه پروژه بزرگتر و مهمتر باشد، من افکار و توجه خود را بیشتر متمرکز و معطوف قضایا می‌کنم. پس از اینکه کارتهای برنده خود

سنگفرش هر خیابان از طلاست

را رو کرده و قرارداد مورد نظرم را با موفقیت به انجام رساندم و در
منتهای رضایت با طرف معامله دست دادم، شعف و نشاط وصف ناپذیری
به من دست می‌دهد.

امسال هم نمی‌توانم به خانواده‌ام قول بدهم که حتماً برای جشن
تولدشان نزد آنها خواهم بود. البته از این بابت بسیار متاسفم ولی در عین
حال از اینکه دارای این چنین خانواده با درک و فهمیده‌ای هستم بسیار
سپاسگزارم.



فصل دوم: درسی از دنیای عنکبوتها

www.KetabSarsi.com